

۱۰ مهر ۱۳۹۴ - شماره: ۳۵

مقاله‌ها

پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی

**فاجعه‌ی منا؛
گواهی دیگر بر عدم صلاحیت آل سعود**

نویسنده مقاله:
دکتر ذاکر معروف

بسم الله الرحمن الرحيم



مراسم حجّ امسال با دو فاجعه‌ی بسیار غم‌انگیز و تأسفبار در مسجد الحرام و صحرای منا همراه بود که مسلمانان جهان را در بهت و اندوه فرو برد و عید آنان را به عزا تبدیل کرد. اما این دو حادثه‌ی دردناک فارغ از آنکه وجدان جمعی همه‌ی مسلمانان جهان را جریحه‌دار نمود، حامل پیام‌های بسیار مهمی برای جهان اسلام بود؛ تا جایی که می‌توان آن را زنگ خطری برای بیداری عمومی مسلمانان جهان و تلنگری تکان‌دهنده برای هوشیاری آنان به حساب آورد. توضیح آنکه حادثه‌ی سقوط جرّثقیل در مسجد الحرام و نیز فاجعه‌ی عجیب، بی‌سابقه و غیر قابل توجیه در منا، بدون تردید دلایل مشخصی دارد که باید با بررسی بی‌طرفانه و کارشناسانه‌ی یک هیئت تحقیق مستقل با حضور نمایندگان از همه‌ی کشورهای اسلامی معلوم گردد و به اطلاع مسلمانان جهان برسد؛ دلایلی که ممکن است با ادّعای مسئولان عربستانی که آن را اتفاقی معمول، ناشی از تراکم جمعیت و خفگی حجّاج قلمداد می‌نمایند، تفاوت فاحشی داشته باشد.

اما فارغ از این موضوع باید توجّه داشت که این حوادث غیر عادی و هولناک از دو صورت خارج نیست: یا سهواً و در نتیجه‌ی بی‌برنامگی و سوء مدیریت مسئولان عربستانی اتفاق افتاده است و یا عمداً و در قالب جنایتی هولناک علیه گروهی از مسلمانان و حاجیان برنامه‌ریزی و اجرا شده است. آنچه می‌توان در هر دو صورت مسلم دانست، بی‌کفایتی متولیان حج و کلیدداران خانه‌ی خدا در مدیریت و سازمان‌دهی امور حجّ است و قطعاً آنچه انبوهی از

مسلمانان کشورهای گوناگون اسلامی را به مسلخ برد و مسجد الحرام و منا را به قتلگاه آنان تبدیل نمود، در بهترین فرض ممکن عدم صلاحیت و اهلیت آل سعود برای تولیت خانه‌ی خداست؛ چراکه در هر حال مسئولیت شرعی و قانونی همه‌ی این اتفاقات متوجه متولیان حج است و برخی فرافکنی‌ها از سوی آنان مانند تشبث به قضا و قدر الهی و متهم کردن سایر کشورها با انگیزه‌های سیاسی نیز تقلایی بیهوده و موهن محسوب می‌شود.

البته باید توجه داشت که عدم صلاحیت و اهلیت آل سعود برای تولیت خانه‌ی خدا، قطع نظر از این شواهد میدانی و محسوس، از حیث مبانی اسلامی و قواعد قرآنی نیز ثابت است و چنین وقایع تکان‌دهنده‌ای تنها آن را به مسلمانان یادآوری می‌کند؛ همچنانکه حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی مدتها پیش از این، بر روی آن تأکید فرموده است. اگرچه متأسفانه گوش‌های مسلمانان سنگین‌تر از آن شده است که چنین اندازهای بلیغ و تذکرات رسایی را بشنوند و با بانگ بلند آن از خواب غفلت برخیزند. باری مدتها پیش از این وقایع و در حدود یک سال پیش، حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی در مبحث حج کتاب ارزشمند «بازگشت به اسلام»، بر روی عدم صلاحیت شرعی آل سعود برای تولیت خانه‌ی خدا تأکید فرمودند و اساساً تصرّفات آنان در کعبه را نامشروع و عدوانی قلمداد کردند. ایشان در فرازی از این کتاب شریف با استناد به آیه‌ی ۳۴ سوره‌ی مبارکه‌ی انفال اثبات می‌فرمایند که جز «متّقین» از «آل ابراهیم» نمی‌توانند متولی خانه‌ی خدا باشند و اعلام می‌کنند که تنها متولی بر حق کعبه، خلیفه‌ی خداوند بر روی زمین حضرت مهدی علیه السلام است. ایشان می‌فرمایند:

«تولیت خانه‌ی خداوند تنها برای خلیفه‌ی او در زمین است که از فرزندان ابراهیم و اسماعیل است و از هر رجسی پاکیزه شده و از قرآن جدایی نمی‌پذیرد و به این سبب، فرد متیقّن از اهل تقواست و او در زمان کنونی، مهدی است؛ چنانکه خداوند فرموده است: ﴿إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ﴾؛ «مساجد خداوند را تنها کسی عمارت می‌کند که به خداوند و روز واپسین ایمان دارد و نماز را بر پا می‌دارد و زکات را می‌پردازد و از غیر خداوند نمی‌ترسد، پس چه بسا آنان از هدایت یافتگان باشند» و روشن است که مهدی، چنانکه از نامش پیداست، از هدایت یافتگان است. این در حالی

است که اکنون، تصدّی خانه‌ی خداوند در دست او نیست، بل در دست کسانی است که در عقاید خود به شرک و در اعمال خود به فسق آلوده‌اند؛ چراکه توحید خداوند در تحکیم را نمی‌پذیرند و درباره‌ی صفات او به تشبیه روی می‌آورند و با کافران دوستی و با مسلمانان دشمنی می‌ورزند و در زمین فتنه و فساد می‌انگیزند و با این وصف، گویی اکنون کلیددار خانه‌ی خداوند، شیطان است؛ در حالی که خداوند با اشاره به این خانه فرموده است: ﴿وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِإِلْحَادٍ بِظُلْمٍ نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ﴾^۱؛ «و هر کس در آن اراده‌ی پرداختن به ظلمی را داشته باشد، به او از عذابی دردناک می‌چشانیم»! از اینجا دانسته می‌شود که تصرفات آل سعود در گنج‌های کعبه و درآمدهای حاصل از حج، غیر مشروع و عدوانی است و تبعاً اعانت مسلمانان بر آن، اعانت بر معصیت و عدوان شمرده می‌شود که جایز نیست؛ چنانکه خداوند فرموده است: ﴿وَلَا تَعَاوُنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ﴾^۲؛ «و بر معصیت و عدوان همکاری نکنید» خصوصاً با توجه به اینکه آنان اموال خداوند را بر ضدّ او هزینه می‌کنند و در راه تقویت جبهه‌ی کفر و تجهیز قشون ضلال و تفریق میان مسلمانان، به کار می‌برند؛ بلکه با این وصف، عزل آنان از تصدّی حرم و سپردن آن به مهدی، واجب است»^۳.

ایشان در ادامه، همه‌ی مسلمانان جهان را به خلع ید آل سعود از تولیت خانه‌ی خدا و حاکمیت بر جزیره‌ی العرب دعوت می‌کنند؛ چراکه مکه بنا بر اخبار متواتر نبی کریم صلی الله علیه و آله و سلم پناه‌گاه مهدی پیش از ظهور اوست و با وجود آل سعود و فتنه‌انگیزی‌هایشان در این سرزمین، امنیت او تضمین نخواهد شد و این‌گونه قیام او به تعویق خواهد افتاد. ایشان در ادامه بر روی قطع رابطه‌ی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشورهای اسلامی با آل سعود به عنوان گونه‌ای تحریم و مقدّمه‌ای برای سقوط آنان تأکید می‌ورزند. همچنین در مورد امکان تعلیق حج این‌گونه اظهار نظر می‌فرمایند:

«همچنانکه تعلیق حجّ به اقتضای اعانت بودن آن بر معصیت و عدوان آنان در زمان استیلاءشان بر مکه با توجه به سرازیر شدن اموال حاجیان به جیب کافران و منافقان، خالی از وجه نیست؛ جز آنکه بیم می‌رود این تعلیق، خود از جهتی دیگر، به تقویت دشمنان اسلام و وهن شعائر آن بینجامد و در مجموع به مصلحت مسلمانان نباشد و از

۱. حج / ۲۵.

۲. مائدة / ۲.

۳. هاشمی خراسانی، بازگشت به اسلام، ص ۲۶۸.

این رو، نمی‌توان به آن توصیه کرد. آری، شایسته است که مسلمانان، در زمان استیلاء ظالمان بر مکه، به حجّ واجب بسنده کنند و از حجّ و عمره‌ی مستحب بپرهیزند؛ چراکه کار واجب برای انجام کار مستحب و نهاده نمی‌شود و اجتناب از اعانت ظالمان بر ضدّ اسلام و مسلمانان، واجب است.»^۱

بی‌گمان بروز این فجایع هولناک در مسجد الحرام، مهر تأییدی بر این سخنان دقیق و هوشمندانه است و می‌تواند نتیجه‌ی بی‌اعتنایی مسلمانان به آن‌ها تلقی شود. اکنون امید می‌رود که این فجایع تلخ، درس عبرتی برای مسلمانان جهان باشد تا هر چه زودتر به رهنمودهای روشن‌گرانه و خیرخواهانه‌ی این عالم بصیر و آزاده توجّه کنند و به جای نادیده گرفتن آن‌ها یا صرفاً تحسین و تأیید آن‌ها، برای عملی نمودنشان پا به میدان بگذارند.

ما ضمن تسلیت به همه‌ی مسلمانان جهان خصوصاً خانواده‌های داغ‌دیده و عزادار به خاطر وقوع این دو رویداد تلخ و تأسفبار، از همه‌ی آنان می‌خواهیم که این دو حادثه را مانند بسیاری از حوادث قبلی فراموش نکنند و به زباله‌دان تاریخ نسپارند، بلکه با احساس مسئولیت و تعهدی که نسبت به اسلام و آرمان‌های اصیل اسلامی دارند، دست به دست یکدیگر دهند و با اعمال فشار بر روی دولت‌های مسلمان منطقه و نیز سایر گروه‌ها و سازمان‌های مستقلّ اسلامی در اقصی نقاط جهان، با اتخاذ راهبردهای سیاسی و فرهنگی، اجماعی در میان مسلمانان علیه آل سعود و استیلاي آنان بر مکه تشکیل دهند و از فجایعی که این دو حادثه در میان مسلمانان پدید آورده است به عنوان محرّک‌ها و اهرم‌های فشار علیه سعودی‌ها بهره بگیرند؛ چه آنکه دو حادثه‌ی مذکور، مستقیماً و بدون هیچ واسطه‌ای به استیلاي آل سعود بر مکه و تولیت کعبه توسط آنان مربوط می‌شود و رأساً بی‌کفایتی و عدم صلاحیت آنان را برای این کار مقدّس به اثبات می‌رساند و روشن است که اگر سلطه‌ی آنان بر این شهر مقدّس هر چه زودتر خاتمه پیدا نکند، امکان تکرار چنین فجایعی در سال‌های آینده منتفی نخواهد بود.

والسلام علیکم و رحمت الله

